

حکومت و از سوئی با محدود کردن امتیازات انگلیس ها به امریکائی ها وعده فعالیت در صنعت نفت ایران میداد. در این راه به کارت حزب توده و اگر نه حمایت مسکو ولی بی اعتنائی آنها به همه این مسائل احتیاج داشت.

در جریان اعتصاب عمومی در خوزستان سریعاً جانب حزب توده را گرفت، و فرستاده ویژه خود را (مظفر فیروز) به منطقه گسیل داشت. در این میان سفیر امریکا قوام را خواسته و به وی گوشزد کرد که مسکو از اقدامات تلافی جویانه واشنگتن (بمب اتمی) وحشت کرده و بهتر است که قوام وزرای توده ای را مرخص، هواداران و سرسپردگان گردن کلفت شاه را به کار دعوت کند. مسئله امتیازات انگلیس ها را خود امریکائی ها با آنها به توافق میرسند و فرقه آذربایجان با اشاره استالین عقب خواهد نشست. قوام باور نمی کرد که مسئله بدین سادگی حل شود. لذا طی سفری خود در پایان تابستان ۱۳۲۵ خورشیدی به تبریز رفت و اوضاع را واریسی کرد. قبل از این سفر، تمامی افسران و مدیران شاه دوست را بکار دعوت کرد، بختیاری ها و قشقائی، ذوالفقاری ها زنجان تا ایل های کلهر و سنجابی های کردستان را با خود هم قسم کرد. در تبریز اوضاع را جداً دگرگونه یافت که سالدات روسی عملاً حکمرانی می کنند و میهن دوستان واقعی آذری را به کناری نهاده و امثال محمد بی ریاها صحنه گردان شده اند! قوام با استعداد قریب سیاسی فهمید که فدائیان فرقه فقط مجهز به سلاح سبک هستند و مسئله بین المللی به یک تکان دیگر احتیاج دارد که مسکو بوق عقب نشینی فرقه را به صدا درآورد. قوام از سفر تبریز بازگشت و در روز ۱۹ آذر ماه حکم حمله به آذربایجان را امضاء نمود.

نقش محوری احمد قوام در این رویدادها بعدها توسط شخص شاه و تاریخ نویسان درباری کتمان شد! محمدرضا شاه که برآستی قوام را دشمن درجه یک خود میدانست وقتی نبوغ سیاسی قوام و اوضاع بین المللی و دست بالای امریکاکار خود را کرد، بدستور شاه تا دور بعدی استفاده از او (۴ سال بعد) از ایران

بقیه در صفحه ۶۹

این مطالبات بر حق و آرزوهای بی چون و چرای آذری ها سر از دایره بسته فرقه و سیاستهای مسکو به رهبری باقروف در آران و استالین درآورد. به قول بولارد، وابسته انگلیس در ایران که گفت، ایرانی ها بهتر بود دعوی را علیه سلطنت مطلقه از همان تهران آغاز می کردند ولی هیات که "ایرانی ها بی انضباط، سخن چین و ناتوان از اتحاد هستند!"

در حالی که فرقه دموکرات کم کم و به صلاح دید باقروف و سیاست های دو پهلوی استالین خود را برای جدائی از ایران آماده می نمود، اقدام به چاپ اسکناس هم نمود. در میان اعضاء و هواداران فرقه صدها هزار فدائی ایران هم دیده میشدند که برآستی برای کسب آزادی کل ایران، برقراری نظم، انتخابات آزاد، تحقق حقوق استانها و زمینه سازی برای اصلاحات ارضی، رفع بیسوادی، برقراری برابری حقوقی زنان و مردان، آموزش و پرورش رایگان و ... قدم به میدان گذارده بودند. این همه، اما که متأسفانه قربانی فضای جنگ سرد و رقابت مسکو و واشنگتن و لندن شد.

جریان امر در این سری رویدادها چنین شد که در اواخر دوره مجلس چهاردهم، احمد قوام، کسی که روزی محمدرضا شاه از او به عنوان دشمن قسم خورده پهلویان یاد کرده بود به میدان آمد تا عصای دست شاه روحیه باخته شود. وی سفری تاریخی به مسکو نمود و مذاکراتی را با روس ها آغاز کرد که بر چهار مسئله کلیدی قرار داشت. ابتدا روس ها باید در اردیبهشت ماه ایران را ترک نمایند (چون جنگ جهانی پایان یافته بود)، دو دیگر اینکه قوام قبول میدهد به عنوان رئیس دولت مسئله آذربایجان را با صلح و صفا به پایان برد. سوم اینکه شرکتی مختلط تشکیل و روس ها نفت شمال را استخراج و بطور مساوی با ایران از آن بهره برداری می کنند و به مطالبات آذری ها بویژه رسیدگی خواهد شد. قوام در بازگشت پست های وزیر کشور و خارجه را بر عهده خود گرفت و روز قبل از اتمام دوره چهاردهم مجلس کابینه تشکیل داد. دعوت از چهار وزیر حزب توده ای، عقب راندن اهالی دربار از استانها و ... اصلاحات قوامی بود برای بدست آوردن دل دشمن. وی در یک جنگ دو سویه وارد شده بود از طرفی شاه را به سلطنت کردن دعوت می نمود و نه



تحلیل سیاسی مجید پهلوان

که روزی سبب ساز انقلاب مشروطیت و انقلاب ضد استبدادی بهمن ۵۷ شد. در این میان اما که خلق های ایران ستم مضاعفی را متحمل شده اند. سطره حکومت مرکزی و سرکوب مداوم مطالبات آنها دایره بر خودگردانی، ارتقاء فرهنگی از طریق آزادی زبان و اجرای یک مکانیسم عدم تمرکز همواره از سوی مرکز نشینان به شدیدترین وجه ممکن مورد تهاجم قرار گرفته است. هر روز زندانهای کشور شاهد به دار کشیدن مبارزی است که هدفی جز بهروزی مردم خود و سرفرازی برای ایران ندارد. زندانهای آذربایجان، کردستان، بلوچستان مملو از جوانانی میشود که بواقع مطالبات آنها در کشورهای پیشرفته غربی بیش از دوپست سال است که برآورده شده است! اگر سرفصل حداقل مطالبات ایرانیان را هنوز و از پس بیش از صد سال مبارزه برای آزادی، دموکراسی، انتخابات آزاد، آزادی احزاب و اجرای مفاد منشور جهانی حقوق بشر بدانیم، در این میان خلق های سازنده ملت بزرگ ایران حرفهای دیگری نیز دارند که باید به مطالبات مذکور افزود.

در این مطلب نگاهی به فروپاشی فرقه دموکرات دارم که بر زمینه کمبودهای یک جامعه زمین ارزشی و عقب مانده و فرهنگ ستم مضاعف مرکز نشینان و سرکوب مستمر تشکیل شده بود. مطالباتی چون اصلاحات ارضی، آزادی فرهنگی و اداری آن زمینه مثبتی بود که از طرفی ضربه جبران ناپذیری به مرکز نشینان و محروم کنندگان مردم از حقوق خود میزد و از سوی دیگر زمینه ساز رشد اندیشه تقسیم قدرت، انتخابات آزاد، سیستم نمایندگی واقعی و ... میشد. رویدادهای تشکیل اقله فرقه دموکرات آذربایجان، لیکن نشان داد که مجدداً

۲۱ آذر، سالروز سقوط فرقه دموکرات آذربایجان

پس از دو انقلاب نافرجام (مشروطیت و بهمن ۱۳۵۷) و یک کودتا به همراه صد و اندی سال تلاش برای آزادی، هنوز ملت ایران درگیر همان مسائلی است



تولد منجی جهان عیسی
مسیح بر همگان مبارک باد

جشن
 کریسمس
 امسال

پنجشنبه ۲۴ دسامبر

ساعت ۶ بعد از ظهر

به امید دیدار

آدرس: شماره ۷۷۲۵ خیابان یانگ (یانگ و جان)

لطفاً با تلفن ۹۹۶۷-۳۵۶-۴۱۶ تماس حاصل فرمائید

7775 Yonge St. (Yonge & John)

WWW.RUHERASTI.COM

قابل توجه جویندگان کار خدمات کاریابی رایگان



MARKHAM EMPLOYMENT SERVICES
JOB CONNECT

Are you unemployed and looking for work?
Are you a newcomer to Canada and/or an internationally trained individual trying to find a job that matches your skills?

ما می توانیم در یافتن کار و ارزیابی مدارک دانشگاهی به شما کمک کنیم

- One-on-one support and employment counseling is available
- We will connect you directly to jobs
- You may qualify for subsidized employment, transportation and credential assessments

برای مشاوره و اطلاعات بیشتر با شماره

Call: 905.470.9675

تماس حاصل نمائید

Address: 3780 14th Avenue, Unit 110
(Warden & 14th Avenue)



EMPLOYMENT
ONTARIO



فشار روس ها پس از عقب نشینی قوای آنها از آذربایجان برای تاسیس شرکت مختلط نفتی با ایران به جانی نرسید، چرا که احمد قوام ادعا می کرد که این امر باید به تصویب مجلس برسد و مجلس پانزدهم هم هنوز شکل نگرفته! آنچه که میتوان در این اوضاع روشن کرد، همان نقش فشار خارجی (اولویت و سیطره آمریکا) در بازی بین المللی و به طبع آن سروری مجدد پایه اجتماعی آنها در داخل کشور (زمین داران، امرای ارتش و مدیران دستگاه اداری ایران) است و در این میان به واقع نقش احمد قوام به عنوان یک ضد قهرمان مشخص میشود. پس از خروج روس ها و حمله ارتش به آذربایجان و کردستان به واقع قول و قرارهای قوام دائر بر حل ماجرا به صورت صلح آمیز به یک فاجعه بدل شد. ذوالفقاری ها در زنجان جنایت کردند و در سراب و اردبیل، میانه و تبریز، دولتیان و لوطیان دست به قمه محلی آنها محشری بپا کردند. در این بین صدها فدائی فرقه اعدام شدند و هزاران نفر فراری، بی خانمان و یا که خشک و تر با هم سوختند. آنکه تاوان آزادی خواهی، در خواست مطالبات انسانی، برحق و بی گفتگو را داد، مجدداً ملت بزرگ ایران بود. دیکتاتوری از مرکز نفیر کشید و نه تنها خلق های ترک و کرد به مطالبات خود نرسیدند که مسائل در یک سیطره دیکتاتوری، جدا صورت جدیدی پیدا نمود. اصلاحات ارضی که مرکز ثقل مطالبات بود را یک مجموعه از واشینگتن و به منظور اقدامات ضد انگیزه ای به شاه تحمیل نمود. چگونگی این اقدام شایسته و ضرورت زمانه برای وارد کردن ایران به گردش سرمایه بین المللی و جلوگیری از رشد تمایلات انقلابی جهان سومی را بحث نمی کنم ولی همین که در بار و شخص شاه زهر قضیه را گرفت، اصلاحات ارضی نیم بند به مورد اجرا درآمد و ایران با استخراج نفت، اهمیت کشاورزی را به بایگانی تاریخ سپرد و یک اقتصاد تک پایه نفتی با درآمدی سرسام آور زمینه احداث یک مدرنیزاسیون عظیم، اما که بدون آزادی شد. مسئله خلق ها، مطالبات فرهنگی، زبانی، قومی موقتاً به پشت صحنه رفت و در یک دوره ۳۰ ساله توفنده، ایران نشسته بردرآمد فروش نفت خام وارد مسیری از

یک سرمایه داری پیرامونی شد که نهایتاً و اولویت بخش تجاری آن و روینای سیاسی مستبدانه را مادیت بخشید. سیمای کشوری بنام ایران چنان در این سه دهه دستخوش تحولات شد که میتوانست در صورت سلطنت کردن شاه و آزادی احزاب، سرنوشتی بهتر ای امروز خود را رقم زند، که بهترین شانسان این دوره که هرگز تکرار نشد را در جریان ملی کردن صنعت نفت بدست آورد (دولت ملی دکتر مصدق) که دیکتاتوری را توان هضم آن نبود.

در کشوری که آزادی سخن، انتشار، تجمع و احزاب مستقل موجودیت ندارد، در مملکتی که نشسته بردرآمد ناشی از فروش نفت خام نمی تواند حکومتی دموکرات داشته باشد، گویا مطالبات خلق های ایران هم همچون سایر خواستهای ملت در تاریکخانه تروریستی یک شکل بندی عقب مانده (جمهوری اسلامی) منتظر روز موعود می ماند. زمانی رژیم جمهوری اسلامی خود برای منحرف کردن سمت و سوی نگاه اپوزیسیون از طرفی و سرگرمی مردم ایران از سوی دیگر خود به مسئله جدائی استانهای مختلف ایران می پرداخت. در این بین هم بودند و هستند "آدم" های بیگانه که طعمه این خزعبلات جدائی طلبانه و چنبر غار پول کثیف خارجی میشوند. لیکن آنکه تاکنون ایران را به عنوان کشوری پنهان روی نقشه جهان باقی گذارده، همان خلق های متفاوت ایرانی از طرفی و تمایل انحصارات در یکپارچگی این کشور بوده است. عشق و علاقه خلق های ایران به اتحاد دموکراتیک ایرانیان و ادای مطالبات آنها بستگی دارد. ایده جدائی طلبی در میان هیچکدام از خلق های ایران دوست خریداری ندارد و تنها کالانی است ساخته پرداخته دشمنان رنگارنگ آن این را گفتیم، اما که تاریخ در ژرفای خود ضد قهرمان است، چرا که آن را تلاش میلیونها نفری می سازد که اقدامات تاریخی آنها اغلب به نام یک فرد (رهبر قهرمان، شاه، خلیفه و...) ثبت می شود. در جریان سقوط فرقه دموکرات آذربایجان اگرچه خطر جدائی بخشی از مملکت و انضمام آن به طالبان تاریخی آن (روسیه) بر طرف شد ولی بازنده اصلی فرقه دموکرات، رهبران آن و باقرووف ابله و استالین در مسکو نبود. وابستگی فرقه به ملزومات، سیاست و دستورات روس

نتوانستند دیگر به زبان خود درس بخوانند و فعالیت فرهنگی کنند. بازنده ملت ایران بود که مجدداً هرگونه تلاش برای دست یابی خلق های ایران به آزادی فرهنگی، اداری، ولایتی مهر تجزیه طلبی می خورد. مطلب با آرزوی تمکین ایرانیان به مطالبات اداری، فرهنگی و سیاسی خلق های ایران خاتمه می یابد. اگر چنین نکردیم و جمهوری اسلامی سقوط کرد و ما همچنان بر سقیاق سابق شدیم، ننگ تجزیه مملکت بردامان کسانی می ماند که مطالباتی حیاتی را نادیده گرفتند که چنین مباد.

ها سبب شد که ابتدا آوازه جدائی از ایران، تشکیل دولتی مجزا، چاپ اسکناس و سپس دلزدگی سایر مبارزان و کوشندگان سیاسی ایران فراهم آید. درس بزرگ تاریخی که تا امروز برای ما باقی مانده که هرگز جنبش آزادی خواهانه ایرانیان نباید از سکوی بیگانه، از مسکو و یا انحصارات امپریالیستی رهبری شود. نباید به بهانه استفاده از امکانات بیگانه، سبب دلزدگی مردم و سقوط جنبش را فراهم آورد. در جریان سقوط فرقه این میلیونها کشاورزی بازنده بودند که مجدداً باید زمین های تقسیم شده را به امثال صمدخان جنایت کار بازگردانند، بازنده میلیونها کرد و آذری زبان بودند که



سخنرانی پیش از دریافت جایزه نوبل ادبیات

هرتا مولر؛ وحشت از رژیم کمونیستی الهام بخش من بود

مراسم سخنرانی هرتا مولر برنده نوبل ادبیات ۲۰۰۹ طبق سنت هرساله آکادمی نوبل پیش از دریافت جایزه در استکهلم برگزار شد. این نویسنده رومانیایی الاصل مقیم آلمان روز دوشنبه، ۱۶ آذر در سخنرانی خود در مقر آکادمی نوبل، ترس و وحشت از رژیم کمونیستی در زادگاهش رومانی را الهام بخش خود برای نویسندگی دانست. او ترس از مرگ در دوران دیکتاتوری رومانی را علت «عطش برای زندگی و گرسنگی برای واژه ها» توصیف کرد. مولر با بیان اینکه سختی های زندگی در یک رژیم کمونیستی موجب شد به آلمان برود و نویسندگی را آغاز کند، گفت: «واکنش من به ترس مرگبار، عطش برای زندگی بود و گرسنگی برای واژه ها؛ هیچ چیز جز واژه ها نمی توانست شرایط مرا درک کند». او در ادامه اظهار کرد: «در دوران دیکتاتوری خیلی حرف می زدم و صحبت هایم عواقب بدی برایم داشتند. اما نویسندگی را در سکوت و روی پله ها آغاز کردم؛ جایی که بیشتر چیزهایی را که باید گفته می شد، به روی کاغذ می آوردم. آنچه را داشت اتفاق می افتاد، دیگر نمی شد در صحبت بیان کرد». مولر ۵۶ ساله که روز پنجشنبه (۱۹ آذر) رسماً جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد، متولد ۱۷ آگوست سال ۱۹۵۳ در شهر «نیچپدور» در خانواده ای کشاورز است و اگرچه در رومانی متولد شده اما مقیم آلمان است. او داستان نویس، شاعر و مقاله نویسی است که به دلیل به تصویر کشیدن شرایط سخت زندگی مردم رومانی در دوران حکومت «نیکلای چائوشسکو» در کتاب هایش به شهرت رسید. مولر نخستین کتابش را در سال ۱۹۸۲ به زبان آلمانی در رومانی منتشر کرد که مانند بیشتر کتابهای آن دوران، با حذف بیشتر قسمتهایش به چاپ رسید. او که دوازدهمین زن برنده جایزه نوبل ادبیات نام گرفت، پیشتر جایزه های ادبی متعددی را مانند جایزه فرانتس کافکا در سال ۱۹۹۹، جایزه ادبیات برلین در سال ۲۰۰۵ و جایزه بین المللی ایمپک دوبلین در سال ۱۹۹۸ کسب کرده بود.

Shiraz Restaurant

رستوران شیراز

حسین خاتمی

امیر حسین

امیر حسین

شب یلدا را همه با هم در رستوران شیراز جشن می گیریم

همراه با

عباسی قادری

شب یلدا 21 DECEMBER
& 24 DECEMBER
& 25 DECEMBER
& 26 DECEMBER

Every Friday, Saturday and Sunday
with live music and belly dancing

آهنگهای پاپ از چینی تا رومانیایی
همراه با موسیقی محلی و رقص عربی

Tel : (905) 764-6900 Fax : (905) 764-3055

0185 Yonge Street, Richmond Hill, ON L4C 6Z2

سجاد نجم

با مجوز مشاوره حقوقی

Licensed Paralegal

Tel: 416-795-3425
Fax: 416-658-1400
1030 Sheppard Ave. W., Unit 4
Toronto, ON M3H 6C1
E-mail: Sanajem@gmail.com

Small Claims Court Matters

دادگاه های حقوقی کوچک

کلیه دعاوی شخصی، مسکونی، کارمندی و مدنی

All Personal, residential, employment & other civil litigation

Human Right of Ontario

حقوق انسانی در انتاریو

استخدام، WSIB، ODSP، اقامتی، مسائل دولتی، سازمان های خصوصی، سن، جنس، و کلیه مسائل مربوط به حقوق انسانی

Landlord & Tenant Board

حقوق مالک و مستاجر

کلیه حقوق مالک و مستاجر، افزایش غیر قانونی اجاره بها، فسخ قرارداد اجاره توسط مالک و مستاجر، ارسال حکم تخلیه از سوی مالک و سایر موضوعات قانونی مربوط به مالک و مستاجر